

واکاوی نقش فرهنگی بانوان راوی شیعه در عصر امامین عسکریین علیهم‌السلام

نجمه صالحی^۱

چکیده

نظربه نزدیکی روزگار امامین عسکریین علیهم‌السلام به عصر غیبت و افزایش محدوده جغرافیایی جهان اسلام و نیز سخت بودن دسترسی مستقیم و بی‌واسطه به امام معصوم علیه‌السلام، توجه ویژه به بانوان راوی آن عصر، به‌عنوان یاران ناپیدا و واسطه‌های میان امام و شیعیان، که خطر کمتری آنان را تهدید می‌کرد، ضرورت دارد. این نوشتار با رویکردی توصیفی-تحلیلی و تکیه بر داده‌های اسنادی برگرفته از گزاره‌های تاریخی و کتب رجالی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که بانوان راوی، در مواجهه با چالش مهم فرهنگی دوره امامت امامین عسکریین علیهم‌السلام چه نقشی داشته‌اند؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به‌دلیل تنگناهای ارتباطی امام با شیعیان و ایجاد محدودیت برای یاران و وکلای مرد، نقش فرهنگی زنان راوی حدیث در آن دوره، پررنگ‌تر است. حضور در عرصه فرهنگی، پاسخگویی به سوالات، تعلیم و تربیت جویندگان علم و تبیین جایگاه امام و فرهنگ مهدویت، گویای این مدعاست که این گروه از بانوان محدثه، نقش اثرگذاری در جامعه شیعی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: امامین عسکریین علیهم‌السلام، امام عصر عجل‌الله‌تعالیه، زنان راوی حدیث، مهدویت، غیبت صغری.

۱. سطح سه جامعه الزهرا علیها‌السلام و دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران؛ na.salehi1981@gmail.com

مقدمه

اهمیت بهره‌گیری صحیح و مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام از ظرفیت زنان در جامعه، موجب سوق یافتن پژوهشگران به سمت واکاوی چالش‌ها، تهدیدها و فرصت‌های پیش روی زنان، به عنوان نیمی از جمعیت جوامع شده است. مشارکت و حضور زنان همراه با مردان در تمامی عرصه‌ها، حاکی از تساوی ارزش انسانی همه‌آحاد جامعه است که با همکاری یکدیگر، درصدد تحول و ایجاد تغییرات مثبت هستند که در آینده جامعه بشری تاثیرگذار است.

در طول تاریخ، بانوان تأثیرگذار زیادی بوده‌اند که با درکنارهم گذاشتن گزارش‌های تاریخی، می‌توان به بخشی از نقش‌های مغفول آنان پی برد. زنان هم‌عصر امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام به ویژه بستگان و کنیزان ایشان، به‌عنوان نزدیک‌ترین اشخاص به آن بزرگواران، از جمله این بانوان هستند که نقش ایشان در برخورد با مسائل فرهنگی، کمتر به‌عنوان موضوع پژوهش قرار گرفته است.

پیش از این پژوهش، پایان‌نامه «نقش زنان شیعه در ترویج و دفاع از باورهای شیعی از دوره امام صادق علیه السلام تا پایان دوره غیبت صغری» نوشته سعیده رحیمی، به واکاوی نقش تربیتی، تبلیغی و سیاسی بانوان در این بازه زمانی دویست ساله پرداخته است. در این پایان‌نامه، زنان راوی شیعه دوره امامین عسکریین علیه السلام به‌طور خاص مد نظر نبوده و تنها در خلال مباحث، به نام برخی از بانوان راوی، اشاره کوتاهی شده است. در مقاله «تحلیل و بررسی نقش اجتماعی زنان شیعی و پیامدهای آن در سده نخستین عصر غیبت» به قلم مریم سعیدیان جزی، انتشار یافته در نشریه زن و جامعه در سال ۱۳۹۶، به نام برخی از بانوان راوی اشاره و فعالیت و سیاست‌های آنان در رویارویی با مسائل آن عصر تا حدودی بیان شده است. در مقاله «بازشناخت نقش‌های سیاسی - اجتماعی بانو حُدیث، همسر امام هادی علیه السلام» از ناهید طیبی، انتشار یافته در نشریه تاریخ اسلام در سال ۱۳۹۶ نیز تنها نام و فعالیت یکی از بانوان راوی ذکر شده است. به‌طور کلی، آثار پیشین، شناختی جامع از نقش زنان راوی در تحولات فرهنگی عصر امامین عسکریین علیه السلام ارائه نداده است. همچنین پیشینه مستقل و قابل توجه پژوهشی مربوط به این دوران یافت نشد و این مسئله، تدوین پژوهش در این زمینه را ضروری می‌کند.

در مقاله حاضر، با شناخت و تحلیل نقش زنان روایتگر عصر امامین عسکریین علیهم‌السلام، میزان تأثیر و نفوذ این بانوان در تاریخ شیعه آشکار می‌گردد و در سایه شناخت آنان، ابهامات موجود در برخی گزاره‌های تاریخی از بین می‌رود. در این نوشتار، به سؤالات پیش رو پاسخ خواهیم داد: جایگاه فرهنگی زنان شیعه در عصر امامین عسکریین علیهم‌السلام چگونه بوده است؟ نقش فرهنگی زنان راوی در جامعه شیعی، در چه قالب‌هایی ترسیم می‌شود؟ در راستای پاسخ به سؤالات فوق، این نوشتار در سه بخش «مفهوم‌شناسی»، «جایگاه بانوان راوی شیعه در عصر امامین عسکریین علیهم‌السلام در مقابله با بحران فرهنگی»، «نقش فرهنگی بانوان راوی، شامل ابعاد تعلیمی، تربیتی و تبیینی» بانوان راوی شیعه این عصر تنظیم شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. بانوان راوی

روایت، به معنی نقل کردن خبر یا حدیث یا سخن از کسی (عمید، ۱۳۷۹، ص ۶۶۴) است. راوی، در لغت به معنای روایت‌کننده، واژه‌ای عربی و مشتق از «ر و ی» و مصدر روایت است. روایه برای مبالغه است و دلالت بر کثرت دارد (ابن‌درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۸۰۹). راوی کسی است که فقط روایت می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۴۰۹). بانوان راوی یا محدث، افرادی بودند که خبر یا حدیث را که شنیده بودند، بازگو می‌کردند.

۱.۲. نقش فرهنگی

فرهنگ در لغت به معنای دانش، علم، معرفت و یا مجموعه‌ای از آداب و رسوم گفته می‌شود (معین، ۱۳۷۹، ذیل واژه فرهنگ). فرهنگ در اصطلاح، به معنای مجموعه بینش‌ها، دانش‌ها، گرایش‌ها و تمایلات، قواعد، کنش‌ها، رفتارها و ارزش‌هایی است که در یک جامعه وجود دارد (کافی، ۱۳۹۲، ص ۱۷)؛ لذا فرهنگ به عنوان شکل دادن به ذهن و رفتار عمومی جامعه است و حرکت جامعه، بر اساس فرهنگ آن جامعه می‌باشد. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه، بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آنها حاکم است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای

عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۷۷/۱۰/۱۵). جامعه مورد نظر این نوشتار، جامعه‌ای دینی است که فرهنگ الهی خاصی بر آن حاکم است. در این جامعه، معنویت، کمال مطلوب و نهایت زندگی انسان به‌شمار می‌رود و این تعالی، در پرتو به‌کارگیری مناسب از همه موهبت‌های جسمی و روحی برای انسان حاصل می‌شود. در این تفکر، بشر رو به سوی خدا دارد که کمال مطلق است و فرهنگ، مجموعه‌ای از آداب، عادات، بینش‌ها و باورهای دینی است. عبارت «فرهنگی» به واژه‌های گفته می‌شود که منسوب به فرهنگ بوده لذا به نظر می‌رسد نقش فرهنگی، فعالیت و تأثیرگذاری افراد در راستای فرهنگ است.

۲. جایگاه بانوان راوی شیعه عصر امامین علیهم‌السلام در مقابله با بحران فرهنگی

انسان پیوسته با چالش‌ها و بحران‌های گوناگون درونی و بیرونی مواجه است که مهم‌ترین آنها، عدم معرفت دینی و بدتر از آن، بحران فرهنگی و تربیت دینی است. سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، منبعی غنی برای استخراج آموزه‌های دینی به‌ویژه شناخت معارف اسلامی است که با مطالعه آن می‌توان نکات تربیتی ارزشمندی را دریافت کرد و در اختیار مریبان قرار داد. در دوره پیش از غیبت، امام هادی علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام با تبیین انحرافات و بازتعریف آموزه‌ها و تعالیم اسلامی، تلاش داشتند افکار عامه را از آلودگی به انحرافات عقیدتی باز دارند.

در این میان، بانوان راوی شیعه برای دورساختن فضای ذهنی عباسیان از آن دو امام بزرگوار و اجتناب از آزار آنها، راهبرد فرهنگی حساب شده‌ای ترسیم کردند. از جمله نقش‌های ویژه این دسته از بانوان، حفظ بنیان فکری و فرهنگی تشیع در مقابل سیاست‌های حکومت عباسی و گرایش‌های عقیدتی و چالش‌های فرهنگی آن زمان است؛ روزگاری که جامعه شیعی، چه از نظر جانی و مالی و چه از نظر فرهنگی، سخت مورد تهدید بود. بانوان روایتگر، همراه با ائمه علیهم‌السلام و همگام با اصحاب ایشان، پس از درس‌آموزی و آگاهی از معارف دین و جایگاه امام، زمینه‌ساز هدایت سایر شیعیان شده و معارف حقیقی دین و منزلت امام علیه‌السلام را برای افراد جویای حقیقت آشکار و تبیین می‌کردند.

به نظر می‌رسد این بانوان از محضر امام، کسب فیض می‌نمودند، ضمن ارتقای سطح فکری و عقیدتی خود، تأثیر مثبتی بر اصلاح افکار عمومی و هدایت مردم به اصل اصیل امامت داشتند. در زمان حیات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، شرکت بانوان در محافل علمی و اجتماعی، امری رایج بود؛ اما پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، با وجود تأکیدات ایشان بر حضور و نقش‌آفرینی زنان در اجتماع، رویکرد خلفا تغییر یافت و حضور زنان محدود شد. از سوی دیگر، کتابت و نشر احادیث نبوی ممنوع گردید. البته در این میان، حضور فعال برخی زنان راوی اهل تسنن در زمان خلفا، برای پیشبرد اهداف سیاسی آنان و در راستای جعل احادیث نبوی به نفع حکومت خلفا بوده است. با این حال، بانوانی نیز بودند که از راویان احادیث معصومین علیهم‌السلام استماع حدیث کرده و آن را نقل می‌کردند. در برخی از سلسله‌سندها، نام شماری از این زنان ثبت شده است. به‌طور مثال، بنا بر نقل شهید مطهری، در ضریح حضرت معصومه علیها‌السلام روایتی انتخاب شده است که همه راویان آن، زن هستند تا به پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌رسد. (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۷، ص ۴۰۴)

با تأمل در میان اسامی زنان راوی معصومین علیهم‌السلام^۱، نام‌هایی ملاحظه شد که لزوماً بانوان شیعه نبودند؛ همچنین در انتخاب زنان راوی شیعه در منابع حدیثی شیعی، تنها نقل روایت از معصوم، معیار نیست و با توجه به سلسله‌سند در احادیث به‌جامانده، نام برخی از زنان در میان راویان به چشم می‌خورد. برخی راویان در اسناد احادیث وجود دارند که در کتب فهرست و رجال، نامی از آنها برده نمی‌شود؛ به این بیان که برای آنها به‌صورت جداگانه، عنوان وجود ندارد و در ذیل ترجمه سایر راویان یاد می‌شوند. پژوهش در منابع رجالی، این نکته را قوی‌تر می‌کند که معمولاً صاحبان اثر یا راویان مستقیم از معصوم علیهم‌السلام، در شمار راویان ثبت شده‌اند و برای راویان شفاهی و غیر صاحب اثر، مدخلی در آن منابع وجود ندارد؛ لذا تعداد راویانی هستند که با وجود نقل روایت شفاهی در منابع رجالی، ذکری از آنان به میان نیامده است.

بررسی جایگاه بانوان راوی و فرهیخته، افزون بر روشن‌ساختن اوضاع سیاسی- فرهنگی آن روزگار، نقش این الگوهای نمونه در مبارزه با ظلم و جبهه باطل و گام‌نهادن در مسیر جبهه حق را

۱. در نرم‌افزار سیره معصومان علیهم‌السلام.

هویدا می‌سازد و راه‌های عملی دفاع از ولیّ خدا و دین الهی را به تصویر می‌کشد. این مخدّرات برای جبران عدم حضور مستقیم امام در میان شیعیان و دورساختن فضای ذهنی حاکمان از آزارسانی به امام، راهبرد فرهنگی حساب شده‌ای ترسیم کردند. آنان با دوراهاکار مهم فرهنگی، در امر تثبیت باور شیعیان، نقش مهمی ایفا کرده و میراث حدیثی شیعه را که مهم‌ترین منبع معارف دینی بعد از قرآن محسوب می‌شد، به نسل‌های بعد انتقال دادند. برای این اساس، نقش فرهنگی این گروه بانوان، در سه نقش تعلیمی، تربیتی و تبیینی، بازبینی می‌شود:

۲.۱. نقش تعلیمی

با ظهور اسلام و بنیانگذاری فرهنگ اسلامی توسط نبی خاتم صلی الله علیه و آله و تأکید ایشان بر آموزش و آموختن علم توسط زنان و مردان، تحولی در جامعه اسلامی پدید آمد. در حقیقت، اسلام به زنان، عزت و رفعت داد. در دوره مدنیت عرب (اسلام)، ترقی و اهمیت مقام زن از اینجا معلوم می‌شود که در میان مسلمانان، زنان تحصیل کرده و خانم‌هایی وجود داشتند که در علوم و ادبیات، استاد بودند (لوبون، ۱۳۸۰، ص ۵۰۲). زنان در سده نخست، در فراگیری حدیث و نقل آن برای دیگران، توانا و دقیق بودند. نام و شرح حال بیش از ۱۵۰۰ تن از زنان محدّث سده نخست، در تاریخ ثبت شده است. (شیلی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۶)

حضرات معصومین علیهم السلام معمولاً کلاس‌های تدریسشان را در مسجد و یا در منزل برگزار می‌کردند و بانوان عالمه و برجسته آن زمان نیز، با تاسی از شیوه تعلیم ائمه علیهم السلام، غالباً در خانه به آموزش می‌پرداختند. این شیوه، از صدر اسلام مرسوم بود و حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام نیز به آموزش مسلمانان و به ویژه بانوان می‌پرداختند. همچنین در مدت زمانی که امام علی علیه السلام در کوفه حضور داشت، حضرت زینب علیها السلام به تعلیم و ارشاد بانوان کوفه مشغول

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علم را بجویید حتی در چین. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۷۷ و حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۸۶)

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسب دانش بر هر مسلمانی واجب است (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۰). همچنین می‌فرماید: طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۶۸)

بود. ایشان برای زنان کوفه، مجلس درس تشکیل می‌داد و به تفسیر قرآن می‌پرداخت. (جزائری، ۱۴۱۸، ص ۶۸ و قزوینی، ۱۳۷۵، ص ۳۸)

امامان علیهم‌السلام برای آموزش، تمایزی بین مردان و زنان قائل نبودند و اگر امکان داشت که بانوان، علم بیاموزند و تحت تعلیم قرار گیرند، دریغ نمی‌کردند. کلاس‌های تدریس امام صادق علیه‌السلام و تربیت ۳۷ بانوی دانشمند و محدث، مؤید این مطلب است. (غروی نایینی، ۱۳۷۵، ص ۵۲ و ۲۹۳)

بانوان راوی شیعه نیز شیوه آموزشی معصومان علیهم‌السلام را ادامه دادند و برای آموزش شیعیان، تلاشی چشم‌گیر داشتند که بخشی از آن، در گزارش‌های تاریخی ثبت شده است. به عنوان نمونه، حکیمه خاتون، خواهر امام هادی علیه‌السلام (امین، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۲۱۷) در جلسات پرسش و پاسخ، حتی به سؤال مردان نیز جواب می‌داد و بانو حدیث، مادر امام حسن عسکری علیه‌السلام، با معرفی حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به عنوان امام به حق، تلاش می‌کرد. برقی، شیخ طوسی و طبرسی، این بانورا از روایات حدیث برشمرده‌اند. (قهپائی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۱۷۳)

الف) انواع آموزش

معمولاً آموزش توسط بانوان راوی شیعه به دو طریق بود:

یک- آموزش خصوصی:

مانند پرسش احمد بن ابراهیم از حکیمه خاتون. (صدوق، ۱۴۰۵، ص ۵۰۷؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۳ و قمی، ۱۳۷۹، ص ۲۵)

دو- آموزش عمومی:

پرسش و پاسخ عمومی، شبیه پرسش و پاسخ علویّه‌ها. (طبری، ۱۴۱۳، ص ۴۹۹)

ب) طبقه‌بندی دانشجوها

فراگیران علم و دانشجوهای بانوان راوی شیعه نیز معمولاً دو گروه بودند:

یک- دوره مقدماتی آموزش:

عده‌ای که تازه مسلمان بودند و نیاز به تعلیم ویژه داشتند. این بانوان برجسته، برای تعلیم کنیزان نیز اقداماتی انجام دادند. گزارشی از حکیمه خاتون برای تعلیم حضرت نرجس خاتون (مادر امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) آمده است که پس از خریداری ایشان به عنوان کنیز،

در ابتدا تعالیم ناب اسلام توسط حکیمه خاتون انجام گرفت. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۱۲) شیخ صدوق از احمد بن ابراهیم نقل می‌کند که او در سال ۲۶۲ ق به محضر حکیمه خاتون رسیده و بانواز پشت پرده درباره دینش با او صحبت و امامش را معرفی کرده است. در این گفتگو، شیخ صدوق از حکیمه خاتون درباره مکان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌پرسد. بانو می‌فرماید: او در پشت پرده غیبت قرار دارد و مستور است و دسترسی به وی ممکن نیست. سؤال می‌کند: پس شیعه به کجا پناه برد؟ می‌فرماید: به مادر امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف. می‌پرسد: آیا به کسی که زن است، اقتدا کرده و او را در این خصوص مقدم کنم؟ می‌فرماید: این کار دقیقاً مانند وصیت کردن امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف به خواهرش زینب عجل الله تعالی فرجه الشریف بود که وی اوامر و مطالب علی بن الحسین عجل الله تعالی فرجه الشریف را انجام می‌داد و این کار باعث پوشیده شدن راز امامت آن بزرگوار شد. (صدوق، ۱۴۰۵، ص ۵۰۷؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۳۰ و قمی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۰)

همچنین در گزارشی تاریخی آمده است که شماری از بانوان علوی به همراه محمد بن قاسم علوی، از حکیمه خاتون درباره ولادت امام آخر عجل الله تعالی فرجه الشریف کسب تکلیف کردند. محمد بن قاسم نقل می‌کند: من همراه عده‌ای از بانوان علوی، بر حکیمه، دختر محمد بن علی بن موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شدیم. ایشان گفت: آمده‌اید تا از چگونگی ولادت ولی خدا بپرسید؟ گفتیم: به خدا سوگند آری! (طبری، ۱۴۱۳، ص ۴۹۹)

از گزارش‌های فوق چند نکته به نظر می‌رسد:

۱. مرجعیت بانو و پاسخ به سؤالات مختلف شیعیان و معرفی امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف و از بین بردن سرگستگی آنان در دوره غیبت از طریق راویان زن.
۲. حضور اجتماعی زنان با حفظ حدّ و مرز شرعی در پاسخ به مراجعان؛ آنجا که می‌گوید حکیمه خاتون از پشت پرده پاسخ گفت.
۳. اینکه بانواز پس پرده سخن گفته است، نشان می‌دهد گرچه رهبر در پس پرده است، ارتباط با وی قطع نخواهد شد.
۴. این بانوان برجسته، به زمان و شرایط موجود آگاه بودند و با شجاعتی بی‌نظیر و همکاری با یکدیگر، گره‌های مختلف فکری و عقیدتی را می‌گشودند.

۵. استفاده از تعبیر «ولّی خدا» در کلام حکیمه خاتون، دال بر آگاهی داشتن از جانشین واقعی پیشوای یازدهم علیه‌السلام است.

۶. معرفی بانو خدیث به عنوان پناهگاه شیعه و پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات شیعه توسط وی و حکیمه خاتون در روزگار بحران تاریخ تشیع، حاکی از مقام و موقعیت بالای این بانوان و جایگاهشان به عنوان واسطه بین امام معصوم و شیعیان است و رشد علمی و معنوی این بانوان را نشان می‌دهد.

۷. با وجود غیبت امام علیه‌السلام، حلقه اتصال حضرت با شیعیان قطع نشد و بانو با ارتباط مستقیم با امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌الکبری‌ا و بهره‌بردن از استراتژی تقیه، شیعه را از تنگناهایی نظیر تفرقه و انحرافات فکری پیش رو به سلامت عبور داد.
دو- دوره تکمیل آموزش‌ها:

عده‌ای که پیشینه کسب علم در محضرائمه علیهم‌السلام قبلی را داشتند و در جامعه، فعالیت علمی نموده و فقط برای مسائل جدید و پرسش و پاسخ مراجعه می‌کردند مانند: مراجعه علویّه‌ها. (طبری، ۱۴۱۳، ص ۴۹۹)

۲.۲. نقش تربیتی:

پس از فرایند تعلیم و آموزش، تربیت لازم است. تربیت، پرورش و از قوه به فعل رسانیدن استعدادها و توانمندیهای بالقوه انسان است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۸ و افروز، ۱۳۷۱، ص ۸) و محصول مراقبتی است که از نشو و نمای انسان در جریان رشد وی یعنی سیر به سوی کمال به عمل می‌آید (شکوهی، ۱۳۶۴، ص ۶). در تربیت، مربی، موانع درونی متربی را برطرف و او را برای شکوفایی و رشد و بالندگی و رسیدن به حقیقت، مهیا می‌سازد. در واقع مربی در تربیت، از متربی، مطالب آموزش داده‌شده را بیرون می‌کشد؛ به‌خلاف تعلیم که وظیفه معلم، آموزش و بیان نکاتی برای آموزش است. اگر تربیت، فطرت‌گرا باشد، نتیجه آن موجب آماده‌شدن انسان برای رویارویی با چالش‌ها می‌شود.

به مدد تربیت و کشف و شکوفایی استعدادهای فردی، میراث فرهنگی به نسل بعدی،

منتقل و امکانات بایسته در راستای غنای فرهنگی مهیا می‌شود و افراد آگاه، متخصص و مسئول، که خود و دیگران را محترم بشمارند، تربیت، فرهنگ علمی و دینی و ارزش‌های فرهنگی را به جامعه منتقل می‌کنند.

از جمله ابعاد مهم عملکرد فرهنگی بانوان، حضور فعال در عرصه‌های تربیت دینی و افزایش دانایی است که تشویق آموزه‌های اسلامی و سبک زندگی معصومان علیهم‌السلام، نقش مهمی در تأمین این نیاز و بهره‌مندی از آن در اصلاح فرد و جامعه و پرورش انسان‌های آگاه و متعهد دارد.

سختی‌ها و شدائد، نقشی اساسی در تربیت انسان دارند؛ روح انسان با استقامت در برابر این مشکلات، صیقل می‌یابد و بوی خوش کمالات و حقیقت وجودی انسان نیز در سایه همین سختی‌ها تراوش می‌کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۹). سختی روزگار ابناء الرضا علیهم‌السلام موجب ساخته و آماده شدن روح شیعیان برای ورود به عرصه‌ای سخت‌تری یعنی عصر غیبت گردید. در محضر ابناء الرضا علیهم‌السلام بانوانی شایسته، به سان مادران و همسران ائمه علیهم‌السلام و خادمین بیت ایشان رشد یافتند که در راستای تربیت شیعیان کوشیدند.

مادر و همسر امام هادی علیه‌السلام از جمله بانوانی بودند که در انجام وظیفه مادری و تربیت فرزندان خود، اهتمام بسیاری داشتند. پیشوای یازدهم علیه‌السلام بر این امر تأکید کرده و خطاب به یکی از بزرگان سامرا، که او را در دوران کودکی ملاقات کرده بود، فرمود: «ای بهلول! همانا من در کنار مادرم بودم؛ او را دیدم که می‌خواست برای پختن غذا، چند قطعه هیزم ضخیم را زیر اجاق روشن کند، ولی آنها روشن نمی‌شدند تا آنکه مادرم مقداری هیزم باریک و کوچک را روشن کرد و سپس آن هیزم‌های بزرگ و ضخیم به وسیله آنها روشن گردید» (شوشتری، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۶۲۰). آن حضرت از اقدام مادر خود آموخته بود که عامل افروختن آتش دوزخ نباشد، همان‌گونه که هیزم‌های سبک، سبب افروختن آتش اجاق می‌شدند (طبری، ۱۳۷۴، ص ۱۱۳-۱۱۴). بدین‌گونه امام علیه‌السلام در سنین کودکی، از رفتار غیر مستقیم مادر، خوف از خدا را آموخت.

در این میان، باید به نقش اساسی و کلیدی بانو خدیث نسبت به تربیت دیگر فرزندان اشاره کرد که همگی از معارف رجال عصر خود بودند؛ البته به غیر از جعفر، که قابلیت بهره‌گیری از نور هدایت و تربیت مادر را نداشت. صبر و ایستادگی در مقابل شدائد روزگار، که از مهمترین

مسائل تربیتی است را می‌توان از برخی گزاره‌های تاریخی دریافت. عمق ایمان و صبر بانو در هنگام وفات فرزندش، محمد (۲۵۲ق) مشخص میشود؛ زیرا نه تنها جزع و فزع نکرد، بلکه آن را از مقدرت الهی دانست که خداوند برای امتحان بندگانش به کار گرفته است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۱۳ و ۳۳۰-۳۳۱ و عطاردی، ۱۳۸۸، ص ۳۵)

۲،۳. نقش تبیینی

تبیین به معنی تفسیر، توضیح و پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی نظیر «چرا» و «چگونه» است. تبیین یک پدیده، یافتن پاسخ برای یک مسئله است. این مسئله ممکن است یک مسئله فرهنگی یا یک مسئله جامعه‌شناختی و... باشد. اصطلاح تبیین، فرایندی است عقلی-پژوهشی (معرفتی) که براساس دلیل و برهان و به شیوه‌ای منسجم و منطقی، به بررسی جنبه یا جنبه‌های گوناگون یک مسئله پرداخته و از پیدایش مسئله مجهول یا امر مبهم، به وجود می‌آید (جمشیدی، ۱۳۶۹، ص ۷۰). در این بخش، نقش تبیینی بانوان راوی شیعه در بسط و تفسیر جایگاه امامت و مسئله مهدویت واکاوی می‌شود.

۲،۳،۱. تبیین جایگاه امام

بانوان عصر امامین عسکریین علیهم السلام در پرتو تعلیمات ائمه علیهم السلام، علاوه بر شناخت امام زمان خویش، در جهت بصیرت‌افزایی شیعیان تلاش کردند. نمونه‌هایی از فعالیت‌های ایشان در راستای شناخت و معرفی امام، رفع شبهه عدم وجود امام و همچنین تبیین جایگاه امامت در گزارش تاریخی آمده است که عبارتند از:

در مورد شناخت شأن و منزلت امام، می‌توان بانوسمانه را مثال زد. میزان معرفت بانو به‌گونه‌ای بود که امام هادی علیه السلام در وصف او می‌فرماید: «مادرم به حق من شناخت دارد و از اهل بهشت است. شیطان سرکش به او نزدیک نشود و نیرنگ هیچ ستمگر متکبری به او نمی‌رسد. او تحت نظر خداوندی است که خواب به او راه ندارد. محفوظ و مصون از گزند دشمن بوده و هم‌تراز مادران راستین و شایسته است» (مسعودی، ۱۳۶۲، ص ۴۲۸ و قمی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۶). از تمجید و ستودن

پیشوای دهم علیه السلام می‌توان دریافت که این بانو، منزلت و شایستگی فرزند خود به عنوان حجت الهی را به خوبی می‌داند و به منصب و جایگاه امامت فرزندش، به روشنی آگاه است که خود دال بر معرفت وی نسبت به مباحث معرفتی در حوزه امام‌شناسی یک بانو است. همچنین تصدیق امام هادی علیه السلام در مورد بهشتی بودن او، حکایت از وجود یک ایمان قوی و روح مؤمنانه در این بانو است که می‌تواند او را از صفات زشت و آلوده به گناه دور بدارد که شیطان هیچ‌گاه به او نزدیک نشود و در بهشت جای گیرد. بی‌گمان، مادر این انسان‌های منتخب، خود باید برگزیده باشند. به همین دلیل، در آثار دینی، از تبار امامان معصوم علیهم السلام با عناوینی همچون «اصلاب شامخه» و «ارحام مطهره» یاد شده است. امامت در اسلام، آخرین مرحله سیر تکاملی انسان محسوب می‌شود و لذا دفاع از این جایگاه، وظیفه شیعیان است. گاهی ردّ ادعاهای دروغین مدعیان سرسخت نیز نوعی حمایت از جبهه ولایت و تایید امام برحق به‌شمار می‌آید. بنابراین، نقل روایت فاطمه دختر هاشم، از دیگر روایان زن عصر امام عسکری علیه السلام در مورد ماجرای ولادت جعفر کذاب و ردّ ادعای امامت جعفر (صدوق، ۱۴۰۵، ص ۳۲۱) را می‌توان از موارد دفاع از مقام امامت و ولایت و حرکت تبیینی جایگاه امامت برشمرد.

۳،۲:۲. تبیین فرهنگ مهدویت

مقصود از مهدویت، اعتقاد به یک منجی است که در آخرالزمان ظهور می‌کند و بشریت را نجات می‌دهد. چون اسلام یک دین جهانی است، مهدویت نیز یک فلسفه بزرگ جهانی است (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۲۵۹). منجی موعود، در میان شیعیان با نام محمد و لقب‌هایی نظیر «مهدی آل محمد»، به عنوان دوازدهمین امام معصوم مشخص شده است. «شیعه با خبر مسلم و قطعی خود، منجی را با نام، بانیشان، با خصوصیات، با تاریخ تولد، می‌شناسد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۳۶۷) اندیشه مهدویت، موضوعی کلامی است که با رویکردهای تبلیغی، تربیتی و نظایر آن می‌توان به آن پرداخت. دشمنان اهل بیت علیهم السلام پس از مایوس شدن از شناسایی و دستگیری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به اختلافات مذهبی مسلمانان دامن زدند و فرقه‌های جدید و منحرف و

مدعیان دروغین مهدویت را تقویت کردند. در این میان آنچه ایجاب می‌کند که در این مسئله دقت بیشتری صورت گیرد، توجه به این امر است که امامان شیعه علیهم السلام در تبیین مهدویت و آگاهی بخشی صحیح به مردم درباره آن، از هیچ کوششی فروگذار نکرده و از ویژگی‌های مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نشانه‌های زمان ظهور او به تفصیل سخن گفته‌اند. از طرفی، با توجه به کنترل مستقیم امامین عسکریین علیهم السلام، مسئولیت اصحاب و بانوان شیعه، بسیار سنگین‌تر می‌شود؛ زیرا که باقی ماندن این اختلاف‌ها، شکاف‌های عمیقی بر پیکره اسلام و تشیع وارد می‌ساخت.

بنابر سخنان پیش‌گفته، بانوان نیز در کنار اصحاب امام علیهم السلام به میدان آمدند. به عنوان نمونه، بانو حُدیث برای تبیین جایگاه امام غایب و آگاهی شیعیان از ولادت و ویژگی‌های ایشان، نقش مهمی ایفا کرد و در خصوص ادعاهای ناهلان، هشدار می‌داد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۱۹-۲۰ و ج ۵۱، ص ۳۶۴)

جعفر کذاب، خود را به عنوان وصی و جانشین برادرش می‌دانست و گروهی از مردم را همراه خود کرده بود. عکس‌العمل بانو حُدیث در مقابل مدعیان دروغین امامت از جمله فرزندش، جعفر کذاب، گامی مؤثر در راستای معرفی امام واقعی بود. ورود مادر امام یازدهم علیهم السلام به سامرا و ردّ ادعاهای جعفر (صدوق، ۱۴۰۵، ص ۱۴۹) و پاسخ به سؤالات و راهنمایی‌هایی که کرد، به تدریج این فضای ابهام‌آلود و تردیدآمیز پس از رحلت امام عسکری علیهم السلام را به وضعیّت عادی بازگرداند. حکیمه خاتون نیز با گزارش ولادت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و تأیید وجود ایشان و همچنین همکاری با بانو حُدیث و پاسخ به سؤالات شیعیان، گام مهمی در تبیین مهدویت و جایگاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شناخت آن حضرت برداشت که در بخش قبلی نیز به نقش ایشان در تعلیم شیعیان به این اقدام اشاره شد.

بانوان راوی شیعه، به سؤالات شیعیان درباره عدم رؤیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران حیرت پاسخ می‌دادند و خادمه‌ها و کنیزان امام، مانند نسیم و ماریه و نیز غزال، کنیز ابوعلی خیزرانی با اعلام ولادت امام آخر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیعیان، نوید حضور و وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌دادند. به این ترتیب، فرهنگ مهدویت، این آرمان حقیقی و پویا، تأثیر بسیار مهمی در جهت‌دهی به مسلمانان و امیدواری آنان به آینده و صبر و تحمل در برابر مشکلات و ناملایمات گذاشت.

نتیجه‌گیری

در دوره امامین عسکریین علیهم‌السلام به سبب اختناق شدید خلافت عباسیان، شناسایی و دستگیری برخی از یاران و وکلای امام و کم‌رنگ شدن فعالیت مردان، نقش بانوان راوی، پدیدارتر گردید. در این نمودار، تعداد زنان راوی در دوران معصومین علیهم‌السلام و تحرک و پویایی بانوان شیعه در عهد امامت هر امام را نشان می‌دهد.

بنا بر گزارش‌های تاریخی و با توجه به اقدامات بانوان روایتگر، حضور فعال این مخدّرات در دوره امامین عسکریین علیهم‌السلام در صحنه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مشهود است. نقش تعلیمی و آموزش و تربیت شیعیان و تبیین تعالیم اسلامی و فرهنگ مهدویت توسط بانوان روایتگر، حاکی از حضور ثمربخش ایشان در جامعه شیعی است. بانو خدیث، حکیمه و نرجس خاتون و دیگر بانوان راوی، با بهره‌بردن از محضر امام علیهم‌السلام، واسطه انتقال احادیث و رهنمودهای ایشان در میان شیعیان بودند و از شدت تهدید و حیرت عدم حضور معصوم علیهم‌السلام در بین شیعیان کاستند.

بررسی میزان تأثیرگذاری زنان راوی در هویت‌بخشی شیعه در دوران حضرات معصومین علیهم‌السلام به ویژه عصر غیبت صغری و پرداختن به رویکرد معصومان علیهم‌السلام به ویژه امام هادی علیهم‌السلام و امام حسن عسکری علیهم‌السلام به حضور بانوان در جامعه اسلامی، همچنین بررسی شرایط و حضور اجتماعی بانوان مسلمان در دوره معصومین علیهم‌السلام، تحقیقی جامع را می‌طلبد که در مجالی دیگر باید به آن پرداخت.

پیوست

بررسی تعداد بانوان راوی در دوره امامین عسکریین علیهم‌السلام نشان می‌دهد شرایط سیاسی اجتماعی در آن دوره، برای زنان چندان تفاوت نکرده و تعداد بانوان راوی در این دوره از لحاظ کمیت و فراوانی، همچنان کم بوده است. البته این موضوع نیازمند بررسی زیاد در حد یک تحقیق گسترده است؛ اما علت این کاهش نسبت به دوره امام علی علیهم‌السلام و امام صادق علیهم‌السلام به چند موضوع از جمله: شرایط سیاسی متفاوت و داشتن آزادی‌های بیشتر خاندان اهل بیت علیهم‌السلام

فهرست منابع

الف) کتاب

قرآن کریم

۱. ابراهیم زاده، عیسی، ۱۳۸۵ش، فلسفه تربیت، تهران: دانشگاه پیام نور.
۲. ابن درید الازدی، ابوبکر بن محمد بن الحسن، ۱۹۸۱م، *جمهره اللغة*، تحقیق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین.
۳. افروز، غلامعلی، ۱۳۷۱ش، *روان شناسی و تربیت (کودکان و نوجوانان)*، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۴. جزائری، سید نعمت الله، ۱۴۱۸ق، *خصائص الزینبیه*، قم: نشر الشریف الرضی.
۵. جمشیدی، محمد حسین، ۱۳۶۹ش، *مبانی و روش شناسی تبیین (با تأکید بر اندیشه سیاسی)*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه*، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۰ش، *انسان ۲۵ ساله*، قم: موسسه صبا.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۵ش، *منظر مهر (مبانی تربیت در نهج البلاغه)*، تهران: انتشارت دریا.
۹. شبلی، احمد، ۱۳۸۱ش، *تاریخ آموزش در اسلام*، مترجم: محمد حسین ساکت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. شکوهی، غلامحسین، ۱۳۶۴ش، *تعلیم و تربیت و مراحل آن*، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، ۱۴۰۹ق، *احقاق الحق و ازهاق الباطل*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامه.
۱۲. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۵ق، *کمال الدین و تمام النعمه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷ش، *اعلام الوری باعلام الهدی*، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۴. طبری، محمد بن جریر بن رستم، ۱۴۱۳ق، *دلائل الامامه*، قم: بعثت.
۱۵. طبسی حائری، محمد جواد، ۱۳۷۴ش، *حیاه الامام العسکری علیه السلام (با خورشید سامرا)*، ترجمه: عباس جلالی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۵ق، *الابواب (رجال الطوسی)*، تحقیق: جواد القیومی الاصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۱۷. _____، ۱۴۱۱ق، *الغیبه للحجه*، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دار المعارف الاسلامیه.
۱۸. _____، ۱۳۴۸ش، *اختیار معرفه الرجال*، به کوشش: حسن مصطفوی، مشهد: بینا.
۱۹. عطاردی قوچانی، عزیزالله، ۱۳۸۸ش، *اخبار و آثار حضرت رضا علیه السلام*، تهران: عطارد مرکز فرهنگی خراسان.
۲۰. عمید، حسن، ۱۳۷۹ش، *فرهنگ عمید*، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

۲۱. غروی نایینی، نهله، ۱۳۷۵ش، محدثات شیعه، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، العین، محقق مخزومی، مهدی، سامرایی، ابراهیم، قم: موسسه دارالهجره.
۲۳. قزوینی، محمدکاظم، ۱۳۷۵ش، زندگانی حضرت زینب علیها السلام از ولادت تا شهادت، ترجمه: محمد اسکندری، تهران: نشر مهر یاس شمیم.
۲۴. قمی، شیخ عباس، ۱۳۸۰ش، الانوار البهیة، ترجمه: محمدمهدی اشتهازدی، قم: نشر ناصر.
۲۵. _____، ۱۳۷۹ش، منتهی الآمال فی تواریخ النبی والآل، قم: دلیل ما.
۲۶. قهپائی، عنایت الله، ۱۳۶۴ش، مجمع الرجال، قم: اسماعیلیان.
۲۷. کافی، مجید، ۱۳۹۲ش، فرهنگ دینی مفاهیم؛ نظریه‌ها و راهکارها، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۸. لوبون، گوستاو، ۱۳۸۰ش، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: افراسیاب.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۰. مسعودی، علی بن مسعود، ۱۳۶۲ش، اثبات الوصیه للإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، تهران: انتشارات اسلامیه.
۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری (حماسه حسینی)، قم: صدرا.
۳۲. معین، محمد، ۱۳۷۹ش، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ب) نرم افزار

- نرم افزار سیره معصومان، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

ج) سایت

- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری.